**جلسه یازدهم: انسان شناسی زن و مرد، نقد فمینسم**

جایگاه زن:

 در فضای غربی: اصالت ماده فردی

 اجتماعی شهرت

 مقام

در فضای اسلام» اصالت معنا فردی: از خود حیوانی خود الهی

 خانوادگی: از غریزه جنسی مودت و رحمت

 اجتماعی: منفعت طلبی عدالت/ ولایت

در فضای فردی مسئله این است که انسان از خود فردی به خود فطری سوق داده شود.

در فضای خانوادگی نیز از غریزه جنسی به مودت و عشق سوق داده شود. فضای غریزی مبدا و شروع حرکت است و تا آخر عمر نیز ادامه دارد. اتفاقا برای حرکت به سمت تعالی باید از این عناصر استفاده شود. در فضای اولیه باید کنترل و محدود شود تا بتواند به فضای غایت حقیقی خود برسد. این محدودیت دوسویه است محدود شدن از غیر و تقویت رابطه با همسر. چون محدود شد همه میل در خانواده جمع می شود. هدف از محدودیت این بوده است که رابطه با همسر تقویت شود.

در فضای اجتماعی از فضای نظریه استخدام و منفعت طلبی انسان سیر پیدا می کند به سمت عدالت. اساس پیدایش جامعه در همین منفعت طلبی است. غربی ها منفعت طلبی را غایت کار میکنند در حالیکه از نظر ما بدایت کار است نه اینکه به عنوان وضعیت نادرست معرفی شود. منفعت طلبی به خودی خود چیز بدی نیست اما اینکه غایت کار این بماند بد است.

حجاب:

اصل پوشش یک ویژگی به شدت انسانی است. کارکرد پوشش: 1 . حفاظت 2. زیبایی 3. وقار

پوشش در ادبیات قرآن بیش از ادبیات علوم انسانی ویژگی انسانی دارد:

«یابنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلهم یذکرون»

در این آیه حفاظت بیان نشده است چون حفاظت افق غریزی پوشش است

وقلنا یا ادم اسکن انت و زوجک الجنه و کلا منهما رغدا حیث شدتما ...

سکونت، همسری و خوردن 3 چیزی است که در حیوانات هم مشاهده می کنیم. اگر این مساله در بهشت رخ نداده بود غریزه انسان مثل حیوان می شداما چون در بهشت رخ داده امور غریزی در افق فطرت(ماوراء) تعریف شده است.

اهمیت مساله حجاب:

مساله حجاب مساله مهمی است مساله ای که به شدت شیطان روی آن سرمایه گذاری کرده است در آیات 20، 22 و 27 اعراف به اهمیت این مساله اشاره شده است. خداوند می فرماید که مواظب باشید که شیطان شما را فریب ندهد مثل پدرانتان که لباسشان را درآورد. اینجا لباس درآوردن موضوعیت دارد

در بحث حجاب سه حیثیت دائم با هم خلط می شود:

1. فضای حکم تعبدی شرعی: پوشش واجب تعبدی چیست؟ وجه و کفین، در این حیثیت شریعت خط کش گذاشته یعنی اینجا را بریدم ولو تحریک کنددگی نباشد
2. مساله اخلاقی عفت: افق تحریک کنندگی در افق تحلیل مساله در مساله اخلاقی عفت است که غیر از مساله تعبدی شرعی است. در فضای تحریک کنندگی گفته می شود که هم ظاهر هم حجم و هم حرکتش تحریک کننده نباشد. مساله حجاب فقط مساله عفت نیست و عفت هم است
3. مساله هویت دینی: مساله حجاب ویژگی نمادین دینی پیدا کرده و این ویژگی درست است که با عفت شروع می شود ولیی در مفهوم عفت نمانده است. نماد بار فرهنگی ویزه ای دارد که فرق می کند با بار فرهنگی عفت. نماد موضوعیت دارد نه عفت

مساله حجاب را باید به صورت یک معادله سه وجهی حل کرد:

شبهات حجاب:

 چرایی بدحجابی شناختی ندانستن مساله: واقعا بعضی ها نمی دانند

 غیرمستند قلمداد کردن ان به اسلام

 توجیه نبودن اجتماعی (فلسفه حجاب): در استدلال اول استاد به آیه و

 روایت

 غیرشناختی: خیلی از افراد نهاینکه نمیدانند بلکه عمل نمی کنند

غیرشناختی:

1. راحت طلبی: همه دلایلرا می دانند ولی می گویند سخت است. پاسخ: باید توضیح داد که سختی چه جایگاهی در تصمیم گیری دارد
2. میل به زیبایی و خودنمایی: خودنمایی با جمال(زیبایی) فرق می کند. زیبا نمایاندن برای جلب محبوبیت است باید کاری کرد که نگاه های خوب به سمت شما جلب شود
3. جوزدگی: فضای جامعه اینگونه است که اگر فرد حجاب داشته باشد از جامعه طرد می شود. پاسخ: باید یک ارمانی را جلوی فرد گذاشت که در مقابل آن آرمان بگوید می ارزد
4. دهن کجی به حکومت و دهن کجی به اسلام: ابتدا باید فرق گذاشت بین این دو. نباید این دوتا را یک کاسه کرد که غربی ها این کار را می کنند. غالبا کسانی که با حکومت دشمن هستند با اسلام دشمن نیستند. کسی که حکومت را بد می داند ولی اسلام دارد بهتر از کسی که با اسلام دشمن است. اگر اسلام زیر سوال رود نمی توان از حکومت دفاع کرد
5. شهوت رانی و فساد سازمان یافته: باید گشت ارشاد برای این گروه باشد. کار فرهنگی تا قبل از این مرحله است.